

دیدن و پرداختن به جنبه‌ها و ساحت‌های مختلف تعلیم و تربیت در مجتمع جوادالائمه، رویکردی است که اخیراً این مجموعه برای تحققش تلاش می‌کند و برجسته شدن ساحت هنر در این شماره مدرسه ما، به تصویر کشیدن بخشی از همین تلاش‌ها است. از آنجاکه پیشروی هر حرکت و جنبش برخاسته از مدرسه، بدون همراهی والدین دانش‌آموزان بی‌معنا است، با دعوت از کارشناس حوزه تعلیم و تربیت، محمد حسن رادمنش، در جمع خانواده‌ها، زمینه تفکر درباره تأثیرات آموزش هنر بر کودکان را فراهم کردیم.

## هنر راهی برای شناخت و گسترش توانایی‌های کودکان



و جرح شود، موسیقی نیز دو روی یک سکه است؛ نباید غافل باشیم که آهنگ‌هایی با ریتم تند و ناموزون آسیب‌های جدی به سیناپس‌های مغز می‌رساند. پس نگاهی که ما می‌خواهیم به موسیقی داشته باشیم، مصداق «خیرالامور، اوسطها» است؛ همان نوع موسیقی که مادر هنگام خواباندن کودک روی پاهایش زیر لب زمزمه می‌کند؛ همان ریتم و آهنگی که با گوش دادن صدای قناری به ما لذت می‌دهد؛ موسیقی‌ای که بچه‌های ما را به پرستش خدا ترغیب می‌کند؛ همان که «بوریحان بیرونی» را به‌عنوان موسیقی‌دان و سپس ریاضی‌دان به ما می‌شناساند؛ و همان که «انیشیتین» را دانشمند نامدار جهان کرد. در این باره از او نقل می‌شود که هر وقت از حل یک معادله چند مجهولی ناامید می‌شده، سراغ ویولنش می‌رفته، چراکه کانال ریاضی و موسیقی در مغز یکی است. هنر یکی از راه‌های سازگاری بشر و موسیقی شکلی از هنر است که احساس، عاطفه، نشاط و شناخت انسان را بدون نیاز به بیان آن، ابراز می‌کند و می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر انسان بگذارد.

موسیقی می‌تواند توانایی کلامی، شناختی و ادراکی بچه‌ها را بالا ببرد؛ تأثیرات موسیقی در کلام رودکی و ابوعلی سینا اهمیت پرداختن به آن را نشان می‌دهد. فارابی از انگیزه‌بخش بودن و نشاط‌آوری موسیقی حرف می‌زند که به خیال‌پردازی بچه‌ها کمک می‌کند. افلاطون و سقراط از بزرگان تعلیم و تربیت نیز به موسیقی و تأثیرات آن در درمان انسان‌ها توجه داشتند. افلاطون می‌گوید موسیقی برای زندگی بشر ضروری است، شما بیمارترین روح انسانی را در اختیار من بگذارید تا با نیروی موسیقی، کسالت او را شناسایی و رفع کنم. اکنون نیز، ما موسیقی‌درمانی را مثل آب درمانی یا ریگ‌درمانی در رژیم بهبود افراد به‌کار می‌بریم. امروز در پزشکی، موسیقی به‌عنوان یک راه درمانی شناخته می‌شود، تا جایی‌که هنگام عمل‌های مختلف مخصوصاً عمل زایمان با استفاده از موسیقی، ترشح آندروفین را بالا می‌برند. موسیقی آرام‌بخش، نرون‌های مغز، موسیقی شاد و آرام، نیمکره سمت چپ، موسیقی غمگین، نیمکره سمت راست و موسیقی‌هایی ترکیبی، کل مغز را فعال می‌کند. همچنین موسیقی

بسم‌الله... با تشکر از استقبال شما و تشکر از مسئولین مجتمع جوادالائمه که فرصتی برای طرح این بحث ایجاد کرده‌اند. مطرح شدن موسیقی در کشور ما، مثل یک تیغه دولبه برنده است، چون از یک طرف موسیقی نامناسب می‌تواند آسیب‌های جدی ایجاد نماید، از طرف دیگر موسیقی کلاسیک و علمی می‌تواند بر سرعت یادگیری، تغییر ساختار ذهن و ترشحات شیمی و بیوشیمی مغز تأثیر بگذارد. بنابراین، موسیقی با ویژگی‌های مشخص، می‌تواند ابزاری مفید باشد. در این جلسه می‌پردازم به سن یادگیری موسیقی، نوع و ریتم مناسب آن، تأثیرات موسیقی بر انسان و در پایان نیز اشاره کوتاهی به مقوله نقاشی خواهیم داشت.

بهترین سن برای شروع آموزش موسیقی به بچه‌ها، رده سنی ۵ تا ۷ سال است، که در افزایش قدرت استدلال‌های عمومی کودکان تأثیر دارد؛ به کلام ساده‌تر، در برابر مسایل مختلف استدلال می‌کنند، بلکه قربان‌گو، تابع و پیرو نمی‌شوند، درک بالایی از اتفاقات خواهند داشت و سرکلاس حرف‌های حاشیه‌ای نمی‌زنند. تأثیر دیگرش بالا بردن استدلال کلامی کودکان است که میزان آن در آزمون‌های هوش نیز سنجیده می‌شود. همچنین تقویت حافظه کوتاه‌مدت با موسیقی بدون کلام و با ضرب‌آهنگ ملایم ممکن می‌شود، چون می‌تواند مطالب را با سرعت بیشتری از حافظه کوتاه‌مدت به بلندمدت منتقل کند، به‌ویژه در زمان تمرین و ممارست یک مطلب درک شده. البته فراموش نکنیم که ماندگاری مطلب در حافظه کوتاه‌مدت به یادگیری پایدار منجر نمی‌شود، بلکه انتقال آن به حافظه بلندمدت

اهمیت دارد. همچنین موسیقی آرام و بدون کلام، در پرورش تخیل دانش‌آموزان موثر است و معلمین انشا حتی می‌توانند از این فایده برای روان‌نویسی نوشته‌های دانش‌آموزان در کلاس استفاده کنند. پس، این‌که بگوییم موسیقی هیچ اثری بر مغز بچه‌های ما ندارد، اشتباه است. همانند یک چاقوی جراحی که هم می‌تواند غده سرطانی را شفا دهد و هم موجب زخم

موسیقی آرام و بدون کلام در پرورش تخیل دانش‌آموزان موثر است و معلمین انشا حتی می‌توانند از این فایده برای روان‌نویسی نوشته‌های دانش‌آموزان در کلاس استفاده کنند.

شاد، جذب سلول‌های مغز و شکم را افزایش می‌دهد و در رفع کم‌اشتهایی کودکان نیز تأثیرگذار است. موسیقی می‌تواند به فردی که عزیزش را ازدست‌داده کمک کند تا کمتر گرفتار مشکلات روحی شود. حتی رفع مشکلات حاد روانی مثل اسکیزوفرنی، شک و دودلی‌های وسواس‌گونه و گونه‌های مختلف اعتیاد، با موسیقی ممکن است. اگر دیدید فرزندتان در مقایسه با دیگران دیرتر راه افتاد، یا به حرف

**پس نگاهی که ما می‌خواهیم به موسیقی داشته باشیم، مصداق «خیرالامور، الاوسط الامور» است؛ همان نوع موسیقی که مادر هنگام خواباندن کودک روی پاهایش زیر لب زمزمه می‌کند؛ همان ریتم و آهنگی که با گوش دادن صدای قناری به ما لذت می‌دهد؛ موسیقی‌ای که بچه‌های ما را به پرستش خدا ترغیب می‌کند؛ همان که «ابوریحان بیرونی» را به‌عنوان موسیقی‌دان و سپس ریاضی‌دان به ما می‌شناساند؛ و همان که «انیشترین» را دانشمند نامدار جهان کرد.**

آمد، یا در انجام کارهایش کند بود، حتماً به یک کارشناس موسیقی کودک مراجعه کنید. آن‌ها از راه‌های مختلف برای رفع این اختلال استفاده می‌کنند. باید انگشت‌های دست کودک را با تمرین‌های مختلف ورزیده کنید. مثلاً اگر آلات موسیقی ندارید، از او بخواهید انگشتانش را به ترتیب روی میز بزند تا ریتمی ساده ایجاد شود، یا توپ پینگ‌پونگ را در دستش مالش دهد. همچنین ۱۲ درصد از بچه‌هایی که وارد مدرسه می‌شوند، دارای مشکلی به نام فزون جنبشی<sup>۱</sup>، همراه با کمبود توجه<sup>۲</sup> و تمرکز هستند، که باعث می‌شود مثلاً نقطه کلمات را جا بیاندازند، سرکاف را نگذارند یا بد خط بنویسند. آیا بچه‌ای که در آزمون تست نتیجه مطلوبی گرفته، ولی دچار این مشکلات است، هوش کمی دارد؟ نتایج تست غلط بوده؟ نه. این بچه اختلالی دارد که باید با روش‌های مختلف چون موسیقی رفع شود. عقب‌افتادگی بچه‌های زیر ۶ سال تا حد زیادی قابل جبران است، اما متأسفانه ما زمانی متوجه مشکلات کودک خود می‌شویم که کار از کار گذشته است. تأثیر موسیقی فقط به انسان محدود نمی‌شود، بلکه در رشد حیوانات و گیاهان هم موثر است. اگر دو گیاه از یک نوع را در دو اتاق مجزا با شرایط نور و غذای یکسان قرار دهید، ولی هرروز با صدای آرام و کلمات محبت‌آمیز با اولی صحبت کنید و بر سر دومی مرتب داد بکشید، بعد از ده روز نتیجه‌اش را خواهید دید. نکته دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، تأثیر کلمات است. می‌دانیم ۷۰ تا ۸۰ درصد مغز انسان آب است. ژاپنی‌ها در فیلمی نشان دادند کلمات روی

مولکول‌های آب تأثیر می‌گذارد؛ کلمات مثبت مثل مادر شکل مولکول‌ها را ظریف و زیبا، و کلمات منفی آن‌ها را بدشکل می‌کند. پس نگذارید هرچیزی به گوش فرزندانتان راه پیدا کند. اما موسیقی یکی از راه‌های نفوذ در انسان است. نکته مهمی که می‌خواهم به آن توجه کنید، این است که بگذارید طبیعت، معلم بچه‌ها باشد. اگر کودکان‌مان را از قفس‌های آپارتمانی، کلاس کامپیوتر، زبان، رباتیک و ... بیرون بیاوریم، آن‌ها با فراغ بال و سرعت متناسب به اهداف آموزش و پرورش نزدیک می‌شوند. اما با این سرعتی که شما به بچه‌ها آموزش می‌دهید، بچه‌ها شدیدتر و سخت‌تر زمین می‌خورند. اگر ما فلسفه تعلیم و تربیت را بدانیم و معلم‌مان ما با روش و اصول یادگیری آشنا باشند، فشار را از دوش بچه‌ها برخواهیم داشت. اگر فکر می‌کنید ثبت‌نام بچه‌ها در کلاس‌های متعدد می‌تواند قبولی آن‌ها در استعدادهای درخشان را تضمین کند، دستم را بالا می‌آورم و به‌عنوان

معاون آموزش ابتدایی می‌گویم سخت در اشتباهید! اگر سوالات استعدادهای درخشان براساس دریافت استعداد دورنی بچه‌ها طراحی شده باشد، درک عمیق بچه از مسائل ملاک است، نه دانستن فرمول‌ها. این استعداد دورنی را باید با ابزارهایی مثل موسیقی، هنر، آرامش، حذف تهدید، حذف نمره و مقایسه - که به یادگیری عمقی بچه‌ها می‌انجامد، بارور کرد. باید بگویم اگر مدرسه زمان‌هایی از کلاس ریاضی و علوم را گرفت و هم‌خوانی شادی بخش برای بچه‌ها به‌وجود آورد، به قبولی آن‌ها در استعدادهای درخشان کمک خواهد کرد. در واقع، همراه شدن حرکت‌های دست، بدن و کلام، بالاترین لذت یادگیری را در بچه‌های ما ایجاد می‌کند. در یادگیری انواع هوش‌ها مطرح است، مثل هوش فضایی، هوش منطقی، هوش ریاضی، هوش درون‌فردی و ... یک هوش موسیقایی هم داریم که با روش‌های مناسب باعث افزایش سرعت یادگیری می‌شود و مسائل فردی و برون‌فردی بچه‌ها را تقویت می‌کند. مثلاً پیشرفت بچه‌ها در حل جورچین یا جدول، بعد از آموزش ۳۰ دقیقه پیانو، اثبات این اثرگذاری است. پس مدارس، باید موسیقی را در کنار (با تأکید) درس‌های دیگر به کارگیرند، نه به‌عنوان یک درس مجزا. یعنی معلم بتواند از موسیقی به‌صورت مطلوب در تدریس علوم، ریاضی و ... استفاده کند. اگر در زمان حل تمرین، موسیقی زمینه در کلاس پخش شود، بچه‌ها خیلی راحت به جواب می‌رسند، چون سیناپس‌ها به‌هم متصل می‌شوند و یادگیری اتفاق می‌افتد. با این روش به مرور خانواده، معلم و مسئولین نسبت به استفاده از موسیقی متقاعد خواهند شد.

از بُعد مراحل رشد هم می‌توان اهمیت موسیقی را درک کرد. هر مرحله از زندگی انسان مشخصاتی دارد که باید به آن توجه کرد. از ۲-۰ سالگی مرحله دهانی نام دارد، که کودک از مادر تغذیه می‌کند، شیشه شیر را در دست می‌گیرد، انگشت خود را مک می‌زند و در این مرحله کورتکس مغز به‌وجود می‌آید. از ۴/۵-۲ سالگی، انرژی دهانی به مقعدی تبدیل می‌شود و بخش عمده‌ای از شخصیت کودک در این دوران شکل می‌گیرد. بنابراین، چگونه رفتار کردن با او در این دوران حساسیت ویژه‌ای دارد. این‌که او را با داد زدن، مراقبت‌های وسواسی یا با کلاس و تکلیف‌های زیاد خسته کنیم، باعث محرومیت کودک از تجربه‌اندوزی می‌شویم. ضمن این‌که با دور کردن وسایل خطرناک از دسترس بچه‌ها، نباید با جملاتی مثل دست نزن، نکن و ... جلوی این تجربه عمیق را گرفت. مرحله ۴/۵-۶/۵ سالگی، زمانی است که کودک متوجه تفاوت جنسی خود با پدر، مادر یا خواهر و برادرش می‌شود، که به آن دوره آلتی گفته می‌شود. بچه‌ها در این سن در اوج حافظه، خیال‌پردازی و خلاقیت هستند. بعضی وقت‌ها بچه‌ها به علت منع‌شدن از پرداختن به

**طبیعت، معلم بچه‌ها باشد. اگر کودکانمان را از قفس‌های آپارتمانی، از کلاس کامپیوتر، زبان، رباتیک بیرون بیاوریم، آن‌ها با فراغ بال و سرعت متناسب به اهداف آموزش و پرورش نزدیک می‌شوند. اما با این سرعتی که شما به بچه‌ها آموزش می‌دهید، بچه‌ها شدیدتر و سخت‌تر زمین می‌خورند.**

1. Hyperactive
2. Attention deficit disorder

این موضوعات آسیب می‌بینند. در این سن باید اتاق خواب بچه‌ها را

جدا کرد، چون تمام سر و بدن بچه‌ها در خواب و بیداری، می‌بیند و می‌شنود. در مجموع کودکان ما از یک‌سالگی عینی

عمل می‌کنند؛ یعنی زمانی که راه می‌افتند و شروع به شناخت دنیای اطراف خود می‌کنند، به همین دلیل است که اگر مدرسه‌ای تا قبل از ۹ سالگی برای بُرد هوشمند هزینه کرد، کار منطقی‌ای انجام نداده است، چون درک فضای مجازی تا ده‌سالگی اتفاق نمی‌افتد! پس از ده‌سالگی انسان می‌تواند به‌صورت انتزاعی فکر و استدلال کند. موسیقی نیز می‌تواند تفکر انتزاعی کودکان را پرورش دهد.

گفتم که بگذاریم طبیعت، معلم بچه‌ها باشد. طبیعت با همه آواها و نواهای مثبتی که در خود دارد، به آن‌ها در درک مسائل کمک خواهد کرد. کاش در میادین شهر ما از موسیقی‌های پذیرفته شده استفاده شود تا به آرامش و شادی مردم کمک کند. اما گفتم ما به دنبال هر نوع موسیقی‌ای نیستیم، چون بعضی موسیقی‌ها می‌تواند مثل زهر در بدن عمل کند، حتی موسیقی با صدای بلند در یادگیری و تفکر وقفه می‌اندازد. اگر بچه شما دائم در حال گوش دادن به موسیقی است و باز هم مشکلاتی دارد، دلایلش گوش دادن به آن موسیقی ممنوع شده در اسلام است، نه شنیدن موسیقی آرام و یا آواهای طبیعت. می‌توانید بحث موسیقی را به لحاظ شرعی با شنیدن نظرات دکتر «الهی قمشه‌ای» دنبال کنید. ایشان به‌عنوان یک اندیشمند، موسیقی در قرآن، طبیعت و موسیقی کلاسیک را خوب تجزیه و تحلیل کرده‌اند. متأسفانه برخی از ما تا بحث موسیقی پیش می‌آید، ذهنمان متوجه آن نوع نامناسبش می‌شود که اصلاً این آموزشگاه موسیقی به دنبالش نیست. بنابراین، حواسمان باشد کجا برای کلاس موسیقی هزینه می‌کنیم! بعد از مدتی نبینیم چشم بچه‌ها بیشتر شده است! فقط کارشناس موسیقی کودک می‌تواند تفاوت نوع ملودی و ابزار موسیقی را برای سنین مختلف تشخیص دهد.

موسیقی بر نقاشی کودکان هم تأثیرگذار است. هر کودک‌کی که موسیقی خوب شنیده باشد، کوه‌های تیز در نقاشی‌اش نمی‌کشد، رنگ خاکستری در نقاشی‌هایش به کار نمی‌برد، دست را به‌صورت خنجر نمی‌کشد، چشم‌ها را دلهره‌آور تصویر نمی‌کند. در واقع، یکی دیگر از راه‌های شناخت کودکان، نقاشی است و بهترین زمان برای تشخیص نقاشی آن‌ها ۱۲-۵ سالگی است، هرچند آن‌ها از یک‌سالگی مداد به دست می‌گیرند. بچه‌ها در مرحله مقعدی نقاشی را شروع می‌کنند و ممکن است هرجایی مثل دیوار، زمین و دفتر نقاشی را با خط و رنگ بپوشانند، اما از ۵ سالگی فقط در دفترشان نقاشی می‌کشند. تفسیر

**اگر فکر می‌کنید ثبت‌نام بچه‌ها در کلاس‌های متعدد می‌تواند قبولی آن‌ها در استعدادها درخشان را تضمین کند، دستم را بالا می‌آورم و به‌عنوان معاون آموزش ابتدایی می‌گویم سخت در اشتباهید!**

نقاشی کودکان تنها از روی یک نقاشی ممکن نیست، بلکه باید مجموع نقاشی‌های کودک را در نظر گرفت. اگر صفحه نقاشی را به دو قسمت طولی تقسیم کنیم، سمت راست به بُعد عقلی، آینده‌نگری، میل به پیشرفت، علاقه به پدر و سمت چپ به بُعد احساسی، وابستگی به مادر و نشان از این‌که بچه نمی‌خواهد بزرگ شود، مربوط است. اگر کودک یک‌چهارم بالای صفحه را نقاشی کرد، نشانه کمال‌گرایی است. کودک معمولاً ابر را بالای صفحه می‌کشد. بهترین حالت این است که دو ابر یکی سمت چپ و یکی سمت راست کشیده شود، که نشان می‌دهد مادر خیلی خوبی دارد، اما اگر ابرها با فاصله کم از بالای صفحه و فشرده ترسیم شد، نشانه مادر سختگیری است که فرزندش را آزاد و راحت نمی‌گذارد. خورشید نماد پدر است، که اگر با شعاع‌هایش کشیده شود، پدر خوب، مهربان و با اقتدار را نشان می‌دهد. نکته بعدی در تفسیر نقاشی کودکان این است که، چه چیز را کجا، چه اندازه و چه رنگی می‌کشند. اگر کودکی در آسمانش ماه کشید، اشاره به مرگ دارد، ستاره نیز نشان کمبود محبت پدر و مادر یا هردو است. وقتی از بچه‌ها می‌خواهیم اعضای خانواده خود را تصویر کنند، این‌که اول چه کسی را، کجای کاغذ بکشند، مسیر تفسیر ما را روشن می‌کند، و ترتیب کشیدن هرکس نشان‌گر اهمیت او نزد کودک است. زمانی هم به بچه‌ها می‌گوییم اعضای خانواده را به شکل حیوان بکشند، که هر حیوان تفسیر خودش را دارد. اگر مادر را به شکل زنبور کشید، نشان گزیدگی است یا کشیدن کرم یا مار، توجه او به مسائل جنسی را بازگو می‌کند. اگر

روی اجزای صورت خیلی دقیق کار کند و بر گونه، لب، چشم‌ها و لباس تأکید کند، اندام‌های جنسی را با گل یا چیزهای مشابه بپوشاند یا پره‌های دماغ را بزرگ بکشد، یعنی چیزهایی که نباید بفهمد را فهمیده است. خطوط متقاطع، هاشور، سایه زدن، دندان، بمب، هواپیمای جنگی همه نشانه خشم کودک است. مشاوران باید با این تفاسیر آشنا باشند و معنای هر فرم را در نقاشی بدانند، ولی تشخیص موردی انجام دهند، نه این‌که فرمولی کلی را برای همه لحاظ کنند.

در سایت آموزش و پرورش قسمت معاونت ابتدایی، پاورپوینتی از مطالب گفته‌شده در مورد موسیقی و نقاشی را قرار داده‌ایم، که بسیار مفید است. امیدوارم مجموعه جوادالائمه با استخدام معلم‌های دانش‌آموخته، کاربرد روش‌های تلفیقی و آگاه‌سازی خانواده‌ها، تخیل و هوش بچه‌ها را در فضای کاربردی با رویکرد مغز محور تقویت کند ●●●

**دیدن و پرداختن به جنبه‌ها و ساحت‌های مختلف تعلیم و تربیت در مجتمع جوادالائمه، رویکردی است که اخیراً این مجموعه برای تحققش تلاش می‌کند و برجسته شدن ساحت هنر در این شماره مدرسه ما، به تصویر کشیدن بخشی از همین تلاش‌ها است. از آنجاکه پیشروی هر حرکت و جنبش برخاسته از مدرسه، بدون همراهی والدین دانش‌آموزان بی‌معناست، با دعوت از کارشناس حوزه تعلیم و تربیت، محمدحسن رادمنش، در جمع خانواده‌ها، زمینه تفکر درباره تأثیرات آموزش هنر بر کودکان را فراهم کردیم.**